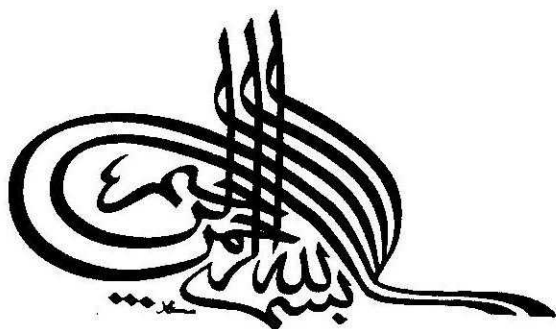




تخریب جی ها و رقص سماع

www.ketab.ir

نویسنده:

فریدون دشتی نژاد پور

آقاچی



سرشناسه	دشتی نژادپور، فریدون، ۱۳۳۵ -
عنوان و نام پدیدآور	تخریب چی‌ها و رقص سماع / نویسنده فریدون دشتی نژادپور.
مشخصات نشر	تهران: آفتاب گیتی، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	۱۹۸ ص.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۳۱۴-۲۷۹-۶
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
موضوع	داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴ th century ۲۰ Persian fiction --
رده بندی کنگره	PIR۸۳۴۳:
رده بندی دیویی	۸۳۴/۲۶:
شماره کتابشناسی ملی	۹۱۹۷۷۰۰:
اطلاعات رگرده	فیبا
کتابشناسی	

آفتاب گیتی

عنوان : تخریب چی‌ها و رقص سماع
نویسنده : فریدون دشتی نژادپور
ویراستار: مریم دشتی نژادپور
صفحه آرای و تنظیم: علی دشتی نژادپور
نشر و پخش: انتشارات آفتاب گیتی
نوبت چاپ: اول ۱۴۰۲
شمارگان: ۵۰۰ جلد
چاپ: مجید
قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۳۱۴-۲۹۷-۶

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

آدرس : تهران میدان انقلاب ضلع جنوب شرقی- نبش خیابان ۱۲ فروردین-ساختمان

ولیعصر- پلاک ۱۳۱۴ - طبقه دوم واحد ۷

www.aftabegiti.com همراه : ۰۹۱۲۳۳۴۲۳۶۲ - ۰۲۱۶۶۹۶۹۸۳۷

مقدمه

داشتم یادداشت‌های قدیمی را مرور می‌کردم که چشمم به چند قصه‌ای که قبلاً نوشته بودم افتاد. چندین بار آن‌ها را خواندم، جاذبه‌ای داشت که من را از نوشتن کتاب دیگری که برنامه‌ریزی کرده بودم به سمت این کتاب کشاند. امیدوارم برای شما نیز چنین جاذبه‌ای را داشته باشد.

تعدادی از قصه‌ها را حذف کردم و برای تکمیل این کتاب برخی از خاطرات جبهه را به جای آن‌ها اضافه کردم، خاطراتی که از شلیک اولین گلوله تا عملیات والفجر هشت در جبهه داشتم، من را بر آن داشت تا به سراغ آن‌ها بروم. به دوران جوانی رفتم، سال‌هایی که هم سخت بود و هم خوب، آموزش سلاح‌های جنگی و رزم انفرادی، دیدن گلوله‌باران شهر، گلوله‌باران بیمارستان، گلوله‌باران گورستان به شکلی که غسالخانه مورد اصابت گلوله توپ قرار گرفت و شهدایی که فقط پوشش کمی خاک بر روی آن‌ها بود و سگ‌ها آن‌ها را به دلیل گرسنگی بیرون آورده بودند و بدین واسطه هار شده بود.

گلوله‌باران خانه‌ها و جنگ باعث از دست دادن تقریباً نیمی از دوستان، عزیزان و همچنین برادر کوچکم شد. در طول جنگ صحنه‌هایی را دیدم که برای سن ما خیلی زیادی می‌نمود. البته دیدن آن‌ها موجب بزرگ‌تر شدن ما هم گردید، چراکه طاقت و صبرمان را زیاد کرد. پدر و مادر و خواهرانمان شهر را ترک کرده و لقب جنگ‌زده را یافتند.

مردم رفتند که زود برگردند، ولی متأسفانه این برگشت خیلی طولانی شد. بعضی‌ها روی دیوار شهر نوشتند ما آمده‌ایم که بمانیم و زیر آن دیوار گورستانی برایشان تا ابد در عملیات بیت‌المقدس به وجود آمد. شاید روزی خاطرات عملیات

آزادسازی خرمشهر و عملیات والفجر هشت و ۴۵ روز مقاومت اولیه در خرمشهر و صبر و استقامت‌مان تا آزادسازی شهر را هم نوشتیم. در این کتاب یادداشت‌های پراکنده‌ای نیز قرار داده شد که خواندن آن‌ها خالی از لطف نیست. امیدوارم که نوشته‌های این کتاب در خصوص جنگ عبرتی برای آیندگان باشد. همه اسم‌هایی که بکار بردم واقعی است.